

به سوی خود جلب کرده است.

ترجمه میراندا معاونی

طنز تلخ

وودی آلن

از

شهرت زودگذر



شاید باور این موضوع که مامت فیلمی کاملاً عاری از واژه‌های ممنوعه (F. word) کارگردانی و آماده کرده است، امری شگفت‌انگیز باشد، اما باید گفت که این موضوع در فیلم اخیرش کاملاً صادق است. واقعیت موضوع این است که فیلم‌نامه مامت بر اساس نمایشنامه معروف ترنس رتیگان^۱ نمایشنامه‌نویس انگلیسی بنا شده است. داستان واقعی این فیلم درباره جوان ۱۳ ساله‌ای است که در دانشکده افسری نیروی دریایی تحصیل می‌کند، و در جریان فیلم به دزدیدن ۵ شیلینگ پول پستی^۲ متهم می‌شود. مامت سعی دارد تا در این داستان به ظاهر ساده تنش‌های دائمی و نوعی از احساسات جدید و شگفت‌انگیز را القا کند که نقش تمامی شخصیت‌های آن در سطح بالایی باشد که وظیفه سختی را بر دوش کارگردان می‌گذارد.

نایگل هائورن^۳ (که به خاطر نامزدی اسکار فیلم دیوانگی پادشاه جرج مشهور شده) مناسب و همسان با شخصیت آرتور وین اسلو است. شخصی که به عنوان یک بانکدار محترم و قابل اطمینان شرایط ایده‌آل خودش را برای رفع اتهام پسرش به مخاطره می‌اندازد. ربکا پیچن همسر واقعی مامت، در این فیلم به عنوان دختر خانواده وین اسلو که طرفدار حقوق زنان نیز هست، به طرز بارزی نقش آفرینی می‌کند. جسر می نورتمن در نقش رابرت مور تون به عنوان وکیلی از شهر لندن که شخصیتی متفاوت با دیگران دارد. او در تمامی شرایط به دنبال پرونده متهم جوان در پارلمان انگلستان است. شاید فیلم پسر خانواده وین اسلو از نظر تکنیک فیلم‌سازی یکی از بزرگترین کارهای مامت باشد. به‌ویژه این که فیلم در نورپردازی دارای تکنیک بالایی با نماهای ملایم است. بیان تمامی دیالوگ‌ها، فیلم‌برداری، تدوین، لباس بازیگران و میزانشن این فیلم به صورت معمول نیست و در بین تماشاگران جوان جذابیت خاصی یافته است. مامت در این فیلم سؤال‌نیشدار و کنایه‌آمیزی مطرح کرده که منعکس‌کننده رسوایی کلینتون و مونیکالوینسکی است. البته روند ماجرا به شکلی نیست که عمد کارگردان را در القای این موضوع نشان دهد. سوالی که در این فیلم مطرح است این است که آیا حقایق همواره با ارزش و مؤثر هستند؟ مامت در تهیه این فیلم به عنوان یک اثر خوب سینمایی که از روی نمایشنامه ۱۹۴۶ راتیگان اقتباس شده، چهار پرده نمایشنامه را به سه بخش تقلیل داده و کاری در خور تقدیر ارائه کرده است.

Sild walk, May , 10, 1999

پانویس:

1. Terence Rattigan

۲. برگه‌هایی که دارای ارزش پولی هستند و از دفتر پست خریداری می‌شوند.

3. Naiger He toon

این فیلم بهانه گفت‌وگویی با وودی آلن است که می‌خوانیم.

□ آقای آلن به نظر می‌رسد جدیدترین فیلم شما با نام **Celebrity**، غمگین‌ترین و ناامیدانه‌ترین فیلمی است که تاکنون با کارگردانی شما، اکران شده است.

○ از دید شما، شاید. اما من به هیچ‌وجه به خودم و به فیلم‌هایم نگاه بدبینانه ندارم. مطبوعات هالیوود و مردم آمریکا احساساتی کاملاً غیرواقعی از خود و محیط اطرافشان دارند. از نگاه آن‌ها حتی زیگموند فروید نیز فردی کاملاً بدبین است. به نظر من انسان باید واقع‌گرا باشد.

□ کنت برانا (Keneth Branagh) شخصیت اصلی فیلم شما، معتقد است داستان فیلم **حزن‌انگیزترین فیلم‌نامه‌ای است که تا به حال خوانده است.**

○ این فیلم غمگین‌تر از بقیه نیست. البته حقیقت تلخ است. ما به‌طور دائم به داستان‌هایی درباره خود و زندگی‌مان دست پیدا می‌کنیم که از طریق آن به حقیقت وجودی‌مان می‌رسیم ولی، که برانا ایفاگر نقش اوست، دارای شخصیت ویژه و خاصی نیست.

□ یک روزنامه‌نگار اخراجی که با ترک همسرش،

لی سیمون خبرنگار بی‌دست و پای است که همیشه با نآرامی و در گیرودار تهیه گزارش و تنظیم قرار ملاقات‌هایش، مرتب از این شاخه به آن شاخه می‌پرد. کارهای او همانند شهرت، فانی و زودگذر است، اما به دنبال همین شهرت است. نگاه او همانند کودکی است که دنیا را هنوز درک نکرده است.

سیمون با همه ترس‌های زندگی‌اش و موفقیت‌ها و نیازش به داشتن عشقی مطمئن، بیانگر شخصیت انسانی خودخواه است که وودی آلن، کارگردان و بازیگر سینما آن را در فیلم به تصویر کشیده است. با وجودی که وودی آلن کارگردان این بار در فیلمش به ایفای نقش نمی‌پردازد، اما خالق مسیری انتقادی است که با آن قادر به پیش‌بردن موضوع داستانش می‌شود. در کنار ریتم هیجان‌فزاينده این فیلم از شوخی‌ها و طنزهای گزنده آن نیز نباید غافل ماند.

Celebrity آخرین ساخته وودی آلن است که در آن دلیستگی‌های مردم به شهرت زودگذر به نقد کشیده می‌شود. داستان از نوعی توازن در فراز و فرودی که زیربنای فیلم را تشکیل می‌دهد، بهره‌مند است. **Celebrity** نشانگر و منعکس‌کننده شهرت‌هایی زودگذر است که با فریبندگی‌هایشان نه تنها ستارگان، بلکه مردم عادی را نیز به دنبال خود می‌کشاند. نمایش